



انترناسیونال

۳۴۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۶ فروردین ۱۳۸۹، ۲۶ مارس ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



مقدسات ملی - مذهبی و آزادیهای یقید و شرط

حمید تقوایی

سیاسی و مدنی را سلب و یا محدود کند.

اصلی ترین و رایج ترین منبع تولید این نوع مقدسات آزادی کش، مذهب و ملیت است. مذهب عامل قدیمی تر و مزمن

صفحه ۸

جوامع استبداد زده ای نظیر ایران همواره با توسل به یک سری مقدسات و تابوها سر آزادی را بریده اند. ما با تاکید بر بی قید و شرط بودن آزادی در واقع اعلام میکنیم که دولت و هیچ اتوریته دیگری در جامعه به بهانه و تحت پوشش هیچ نوع مقدساتی نمیتواند و حق ندارد آزادیهای

از نفس آزادی است. آزادی مشروط، آزادی نیست. آزادی که با تبصره و اما و اگر همراه باشد راه نفی و سلب خود را هموار کرده است. عملا دولتها همیشه از این شرط و شروط و تبصره ها استفاده کرده اند تا کل آزادی را از مخالفین و منتقدین خود سلب کنند. در همه جوامع و بویژه در

ما خواهان وسیع ترین و جامع ترین آزادیهای سیاسی و مدنی هستیم: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و حزب. تاکید بر بیقید و شرط بودن این آزادیها صرفا یک ایده آل و اصل انتزاعی نیست بلکه یک ضرورت عملی برای پاسداری



مراسم سال نو در مقابل زندان اوین
چند گزارش - صفحه ۷



انتخابات عراق و سیر تحولات آینده

محمد آسنگران

سکولاریستی دارد. ائتلاف دولت قانون به ریاست نوری المالکی با کسب ۲۵،۷۶ درصد آرا و با فاصله نزدیکی از ائتلاف العراقیه در رتبه دوم قرار گرفته است. این

صفحه ۶

داخلی و خارجی منتشر کرده اند نتایج این انتخابات تا یک روز قبل از پایان شمارش آرا چنین است: "بر اساس شمارش ۹۳-۹۷ درصد آرا در همه استانهای عراق تا روز چهارشنبه ۲۳ مارس ۲۰۱۰ ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاوی با کسب ۲۵،۸۷ درصد آرا در صدر قرار گرفته است. گفته میشود این ائتلاف ادعای گرایش های لیبرالی و

جنبش اسلام سیاسی به رهبری جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است. بدون در نظر گرفتن تحولات و مناسبات این دو قطب باهم نمیتوان جایگاهی موقعیت احزاب و جریانات حاکم و اپوزیسیون عراق و به تبع تحولات آینده را بررسی کرد. آنچه که رسانه های

انتخابات عراق را میشود از دو زاویه مورد بحث و بررسی قرار داد. یک زاویه مرسوم این است که رسانه ها به آن پرداخته اند. اما وجه مهم این "انتخابات" تحولاتی است که در نتیجه مناسبات و سیاستهای عمومی تر دو قطب دول غربی به رهبری آمریکا و

"جراحی اقتصادی" طرحی از پیش شکست خورده

کاظم نیکخواه
بخش اول

یادآوری

بودجه سال ۸۹ دولت احمدی نژاد و بویژه بخش مربوط به "یارانه ها"ی آن موضوع نزاع تندی میان مجلس اسلامی و دولت احمدی نژاد شد. علیرغم اینکه مجلس نهایتا به طرح احمدی نژاد رای نداد، اما کشاکش ها و مذاکرات در این زمینه بشدت جریان دارد. قبل از وارد شدن به بحث در مورد علل و ریشه های این نزاع و این طرح کذایی لازم است به ضمیمه اصلی این طرح یعنی پیش درآمد سیاسی آن اشاره ای داشته باشیم و در ادامه به خود مساله یارانه ها یا در واقع حذف سوبسیدها بپردازیم: وقتی در سال ۸۵ دولت احمدی نژاد به زیان جناح رفسنجانی و شرکا به سر کار کشیده شد، دو پروژه حیاتی را در جیب داشت و در واقع برای عملی کردن این دو طرح سرکار آمد. یکی جراحی سیاسی و دیگری جراحی اقتصادی بود. جراحی سیاسی همان زمان توسط احمدی نژاد تحت عنوان "بازگشت به خط امام" مطرح شد. این بیان دیگری بود برای

صفحه ۲



گرد "مانیفست آزادی زن" متشکل شوید!

شهلا دانشفر

را امضا کرده اند و در هشت مارس نیز در پاسخ به این فراخوان چهل سازمان بین المللی مدافع حقوق زن با شعار "آزادی و برابری جنسیتی"

صفحه ۳

را بیان میکرد. از همین رو ما در این مانیفست این انتظار را در مقابل جهانیان قرار دادیم که هشت مارس را روز همبستگی با انقلاب مردم و جنبش آزادی زن در ایران و روز گرامیداشت ندا آقا سلطان اعلام کنند و جواب خوبی هم گرفتیم. از جمله تا کنون نزدیک ۱۹۰۰ نفر از شخصیتهای مختلف از اقصادی جهان این مانیفست

روبرو شد. ما این مانیفست را به مناسبت هشت مارس بیرون دادیم. چون بهترین مناسبت بود. چون هشت مارس روز جهانی زن، روز آزادیخواهی و برابری طلبی، مضمون واقعی مانیفست آزادی زن

مانیفست آزادی زن بیانیه ای است علیه بیحقوقی زن در ایران که به امضای ۴ نفر، من و دوستان دیگر مینااحدی، مریم نمازی، مهین علیپور منتشر گردید و با استقبال وسیع در سطح جهانی

بازتاب هفته

صفحات ۴-۵

سیامک بهاری
بهروز مهرآبادی
محمد شکوهی
یاشار سهندی

باراك اوباما در دو صحنه!
تصویب "بیمه خدمات درمانی در آمریکا"
رفسنجانی و "هوادران وفادار رژیم!"
خیز برداشتن برای مهار "ایران پسا اسلامیزم"

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جراحی اقتصادی ...

از صفحه ۱



کاظم نیکخواه

حاکم کردن فضای رعب و وحشت و بازگرداندن فضای کشتار و اعدام و شکنجه به شیوه دهه شصت و دوره حیات امام منحوسشان خمینی. برای این منظور خامنه ای و سران حکومت با یک تقلب گسترده ("گسترده" حتی با معیارهای جمهوری اسلامی) جنایتکارترین باند حکومتی را که کارنامه شخصی "درخشانی" در کشتار و اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی داشتند امثال پورمحمدی عضو کمیته مرگ سال ۶۷، صفار هرنی از جنایتکاران سپاه پاسداران و وزارت ارشاد، محسنی اژه ای یکی از سازماندهندگان قتل‌های زنجیره ای، و خود احمدی نژاد که از پاسداران و تیر خلاص زنه‌های رژیم شناخته میشود و شماری بسیار از این دست را در معیت سپاه پاسداران بعنوان دولت جلو کشیدند. اینها قرار بود با بیرحمی تمام و با استفاده از تجربیات قبلی خود، جامعه را منکوب کنند و به سکوت بکشانند. کاری که بزعم آنها از امثال دوم خردادها و رفسنجانی بر نمی آمد. این جراحی سیاسی قرار بود به شیوه دیکتاتوریهایی شبیه پینوشه در شیلی یک شوک بهت آور را به جامعه وارد کند، فضای اعتراض و مبارزه را خفه کند، سکوت و عقب نشینی را به مردم تحمیل کند و زمینه را برای جراحی دوم یعنی جراحی اقتصادی یا وارد کردن یک شوک اقتصادی به مردم آماده نماید. عده ای در درون اپوزیسیون همان زمان روی کار آمدن غیر منتظره این جناح را کودتای جناح "نظامی امنیتی" علیه روحانیت ارزیابی کردند. نماینده این خط در اپوزیسیون یکی سازمان اکثریت و جناح فرخ نگهدار بود. و یکی محفل آذین - مقدم. هر دو اینها سعی کردند با رُستی کارشناسانه نشان دهند که علیرغم

حمایت خامنه ای از احمدی نژاد این جناح برخلاف میل ولی فقیه به سر کار آمده و در واقع دست به کودتا زده و ولی فقیه را هم ناچار به حمایت کرده است و میخواهد روحانیون را کنار بزند. اینکه نفس این تقسیم بندی "جناح روحانی" و "جناح نظامی" چقدر از نظر تئوریک و تحلیلی سطحی و بی پایه بود اینجا مورد بحث نیست. در کل درکی که از تحولات درون رژیم ارائه میشد و بحثهایی که در مورد کودتای نظامیان مطرح گردید، آبشخور اصلیش خود جناح دوم خردادی حکومت بود. فرخ نگهدار از رهبری سازمان اکثریت، تا به آنجا پیش رفت که گفت "من تا کنون از جناح اصلاح طلب در برابر ولی فقیه دفاع کرده ام، اما این بار با افتخار میگویم در کنار ولی فقیه علیه جناح نظامی امنیتی هستم"، (فرخ نگهدار در مصاحبه با بی بی سی)، محفل آذین مقدم نیز روی کار آمدن این جناح را تلاشی برای عقب راندن "جنبش اصلاحات" کذابی اش میدید و با آن از این سر مخالفت میکرد. عده ای دیگر نیز در همین راستا از اینکه اینها به "جنبش خون خواهند پاشید" و از "سونامی احمدی نژاد" داد سخن دادند. خط و دیدگاه دیگر و کاملاً متفاوتی که در مورد تحولات این دوره در درون رژیم از همان ابتدا مطرح شد موضع و سیاست حزب کمونیست کارگری بود. ما در حزب کمونیست کارگری همان موقع گفتیم و نوشتیم و قطعنامه و بیانیه دادیم که این سیاست حکومت محکوم به شکست است و کاری نمیتوانند بکنند. گفتیم روی کار کشیدن جناح احمدی نژاد، در واقع بیانگر بن بست جمهوری اسلامی است و تلاشی برای عقب راندن جنبشی است که برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی کمین کرده است. جنبش انقلابی و سرنگونی طلبی مردم. و گفتیم که این سیاست از همان ابتدا مهر شکست را بر پیشانی خود دارد. چرا که دوم خرداد و پروژه اصلاح رژیم در واقع با شکست قبلی همین سیاستها بود که امکان بروز و نیاز به طرح پیدا کرد. گفتیم جنبش سرنگونی با شکست این سیاستهاست که جلو آمده است و کارگران و مردم وسیعاً مترصد سرنگونی جمهوری اسلامی

هستند. بقیه اپوزیسیون هم میان این دو خط اصلی و متضاد به این سو و آن سو زدند و کم نبودند جریاناتی که حکومت احمدی نژاد را "دولت کودتا" مینامیدند و هنوز هم مینامند بدون اینکه شاید فکر کنند که چه تحلیل و سیاستی پشت این نامگذاری وجود دارد. تصور میکنم امروز بعد از نه ماه تظاهرات و اعتراض میلیونی و شعارهای میلیونی مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر ولایت فقیه (حتی اگر کسی نخواهد همه اینها را انقلاب بنامد) هر نظری بسادگی متوجه شود که در تحولات سیاسی ایران خط و سیاست کدام جنبش و کدام جریان مورد تایید قرار گرفت و کدام ها بی پایه و راست و پا در هوا بودند و شکست را تجربه کردند.

بهررو دولت احمدی نژاد حتی قبل از اینکه رسمیت یابد با موجی از اعتراضات و شورشهای شهری در کردستان و برخی شهرهای دیگر مواجه شد و پس از روی کار آمدن، اعتصابات و اعتراضات و راهبندنهای پی در پی کارگران و راهپیمایی ها و تظاهراتهای دانشجویان و بخشهای مختلف مردم به این حکومت فرصت و مجال نداد که حتی وارد آزمون طرح تشدید سرکوب و حمله به مردم در ابعاد مورد نظرش شود. سیاست جراحی سیاسی با همین اعتراضات و اساساً با عروج و گسترش اعتراضات کارگری خیلی زود شکست خورد و قدرت عرض اندام نیافت. احمدی نژاد و تنی چند از سران حکومت وقتی بعد از یک سال پا به دانشگاهها گذاشتند با فریاد مرگ بر دیکتاتور دانشجویان مواجه شدند و ناچار شدند از "دیکتاتوری و عدم تحمل" دانشجویان معترض علیه خود شکوه کنند! پورمحمدی ها و صفار هرنی ها و اژه ای ها هم بسرعت بی مصرف ماندند و مجبور به استعفا گردیدند. تقلاهایی از جانب حکومت برای تعرض دوباره شورشهای کارگری و گشتها و طرحهای کنترل محلات و امثال اینها به اجرا گذاشته شد و یکی یکی شکست خورد و بایگانی شد و دعوای در درون خود جناح حاکم بالا گرفت. با شکست سیاست سرکوب و

ارباب، دولت احمدی نژاد مدت‌ها جرات سخن گفتن و به اجرا گذاشتن طرح جراحی اقتصادیش را بخود نداد. زبان و لحنش عوض شد و خود را بعنوان "دولت مهرورز" معرفی میکرد. گاهگاهی دم از جراحی اقتصادی زد، از ثروتهای بیکران عده از کاربستان حکومت گفت، از بی عدالتی اقتصادی حرف زد، اما جرات و امکان پیش کشیدن طرح اقتصادیش را به خود نداد. بویژه با شروع انقلاب مردم علیه حکومت در سال گذشته، دیگر همه چیز برای حکومت زیر سوال رفت و کسی از سران حکومت مشغله ای جز حفظ حکومت از سقوط کامل را در سر نداشت. اما بعد از ۲۲ بهمن احمدی نژاد که مدتی چندان در جایی آفتابی نمیشد و منتظر بود ببیند تکلیف دور دوم ریاست جمهوریش چه میشود، دوباره به صرافت آزمودن طرح "هدفمند کردن یارانه ها" یا همان جراحی اقتصادیش افتاده است. اما آیا روشن نیست که شوک اقتصادی و الگوی پینوشه و دیکتاتورهای شناخته شده، در فضای انقلاب و اعتراضات میلیونی که کل حکومت را در سه کنج سرنگونی قرار داده است، بیشتر به یک خودکشی میماند؟ دعوای مجلس اسلامی و دولت بر سر این طرح در واقع و اساساً از اینجا ناشی میشود. جالب است که نزاعها دارد در درون خود جناح حاکم یعنی جناح موسوم به "اصولگرا" پیش می‌رود. یعنی همانها که مخلص ولی فقیه و دولت احمدی نژاد هستند.

شوگ مصرفی

علیرغم اینکه طوفانی که میان مجلس اسلامی و دولت اسلامی در مورد طرح بودجه و یارانه ها برپا شده بود با تصویب نظر مخالفان دولت در مجلس، ابعاد محدود تری پیدا کرده اما بهیچ وجه فروکش نکرده است. دعوای مجلس و دولت نهایتاً روی مبلغی که از منبع زدن سوسیدها در بودجه گنجانده شود متمرکز شد. دولت رقم چهل هزار میلیارد تومان را برای سال آتی مطرح کرده بود و مخالفین بر ۲۰ هزار میلیارد تاکید داشتند. مساله اینگونه است که کلاً دولت سالانه مبلغی حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بابت سوسید به

کالاهای اساسی مورد نیاز مردم میپردازد. این سیاست از سالها قبل حتی قبل از روی کار آمدن جمهوری اسلامی جریان داشته است. و ریشه آن برمیگردد به گرانی سرسام آور و عدم امکان زیست برای میلیونها نفر از مردم، پرداخت سوسید به کالاهای اساسی در بسیاری از کشورها بعنوان یک اقدام ضربه گیر انجام میشود. اینکه در جمهوری اسلامی چه سرنوشتی در این سالها پیدا کرد فعلاً مورد بحث نیست. بحث اینست که جمهوری اسلامی میخواهد همین سوسیدها را حذف کند و این صد هزار میلیارد مربوط به کالاهای اساسی را طی مدت سه سال به خزانه خویش بازگرداند. برای سال اول حذف رقم ۴۰ هزار میلیارد تومان از سوسیدها را در نظر گرفته اند. مجلسی ها و در راس آنها احمد توکلی سخنگوی مرکز پژوهشهای مجلس و وزیر کار دوره موسوی میگویند کلاً این طرح دنبال کردن سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است که در کشورهای دیگری هم به اجرا گذاشته شده و نتیجه اش وابستگی دولت بوده است و بعلاوه زدن یک باره ۴۰ هزار میلیارد از سوسیدها قیمتها را تا بالای ۶۸ یا هفتاد درصد سطح فعلی بالا خواهد برد و جامعه تحمل آنرا نخواهد داشت. بحث آنها تا آنجا که به ظاهر آن مربوط میشود بر سر شوکی است که به مردم وارد میشود و اعتراضاتی است که دامن زده خواهد شد. پاسخ و توضیح دولتی ها درست در ضرورت وارد کردن همین شوک است. وزیر بازرگانی احمدی نژاد در دفاعش از حذف ۴۰ هزار میلیارد تومان از یارانه ها و مخالفت با ۲۰ هزار میلیارد تومان دقیقاً بر همین شوک تاکید میکند و آنرا پایه اصلی طرح میدانند. او میگوید: با مبلغ بیست هزار میلیارد تومان نمیشود این طرح را اجرا کرد. چون مصرف کنندگان فشار زیادی را متحمل خواهند شد و تاثیر زیادی روی الگوی مصرف ندارد! ارگانی بنام "دبیرخانه کار گروه تحولات اقتصادی" نیز که یک ارگان وابسته به احمدی نژاد است و نقش زیادی در تعیین و پیشبرد این طرح داشته میگوید "اهداف قانون

گردد "مانیفست آزادی زن" ...

از صفحه ۱

در ایران به استقبال هشت مارس رفتند. اما همه اینها شروع کار است. به عبارت روشنتر، در اوضاع انقلابی امروز ایران، و با وجود نقش مهم جنبش آزادی زن بعنوان يك عرصه دائمی مبارزه علیه جمهوری اسلامی، هشت مارس بهترین مناسب بود که ما مبارزه ای همه جانبه تر در عرصه رهایی زن علیه جمهوری اسلامی را در دستور بگذاریم. ما با انتشار مانیفست آزادی زن تلاش کردیم به این نیاز ضروری و فوری پاسخ دهیم و به مبارزاتمان در این عرصه سرعت و شدت بیشتری بدهیم. بنابراین همانطور که در معرفی این مانیفست قبلا نیز توضیح دادیم، این مانیفست در واقع کيفرخواست مردم ایران علیه این رژیم ضد زن است. صدای اعتراض جنبش آزادی زن در ایران است و این جنبش عظیمی است که باید آنرا با قدرت به جلو ببریم و آنرا هرچه بیشتر تقویت کنیم. بویژه خواستهایی که در مانیفست طرح شده، خواستهایی چون لغو همه قوانین ضد زن اسلامی و کلیه قوانین تبعیض آمیز، و برابری زن و مرد در همه عرصه ها، آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، لغو حجاب اجباری، لغو آپارتاید جنسی و جدا سازیهای جنسیتی همه و همه و دیگر خواستها، خواستهایی است که خود يك تم دائمی اعتراض در جامعه است و امروز در دل يك اوضاع انقلابی در جامعه باید این خواستها

همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بود. از همه اینها میخوام این نتیجه را بگیرم که در ایران میتوان حول این مانیفست فعالیتی گسترده و همه جانبه را سازمان داد. میتوان انواع و اقسام نهادها و انجمن ها در دفاع از آزادی زن شکل داد. میتوان گرد خواستهای مانیفست آزادی زن نیرو جمع کرد و متشکل شد. بر اساس خواستهایی که در این مانیفست طرح شده است، بیانه های پرشوری داد و نیز موضوعات آنرا به موضوع بحث در جمع ها و محافل خود در محلات و مراکز مختلف قرار داد و علیه خرافات و عقاید عقب افتاده مردسالارانه مبارزه کرد و آزادیخواهی را تقویت کرد. بدین ترتیب فعالین این عرضه در هر شهر میتوانند بخود نیروی جدید جذب کنند و دایره فعالیتشان را گسترش دهند. من در اینجا فراخوانم به همه انسانهای آزادیخواه در ایران اینست که بصورت جمع ها و گروه ها، به این مانیفست پیوندند. حول این مانیفست تشکل ایجاد کنند. با ما در تماس باشند و این عرصه مهم مبارزه را با هم به پیش ببریم. در سطح بین المللی نیز همانطور که اشاره کردم ما با تمام قدرت کمپین در حمایت و همبستگی با جنبش انقلابی مردم ایران و جنبش آزادی زن را به پیش میبریم. خوشبختانه با وجود دوستانی چون مینا احدی، مریم نمازی و مهین علیپور که چهره هایی شناخته شده و سرشناس در سطح جهانی و در میان سازمانهای مدافع حقوق زن و انسانلست هستند، و

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و حزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

نیز چهره های بسیاری دیگر که از کادرهای برجسته حزب کمونیست کارگری هستند و در کشورهای مختلف در سطح جهان خود در صف جلوی این مبارزه قرار دارند و

زمنه ها "حرکت کنیم". آری اصلاح الگوی مصرف شعار سراسری حکومت شده است. و این مردمند که باید از مصرف "بی رویه" بزنند و کمتر مصرف کنند. اشاره به "مسئولان قوای سه گانه" روشن است که تنها يك عبارت توخالی برای حفظ ظاهر است. دولت احمدی نژاد علیرغم مصوبه مجلس تلاش اینست که میزان ۴۰ هزار میلیارد را تثبیت کند و برای این کار متوسل به خامنه ای شده است. این روزها بنا به

که بقول اینها بتواند شوك مصرفی را ایجاد کند و جامعه ناچار شود "الگوی مصرف" را عوض کند. تغییر الگوی مصرف آشکارا به معنای اینست که مردم زیر فشار ناچار شوند کمتر مصرف کنند و بیشتر کار کنند و ریاضت بکشند. این روزها نقل قولی از خامنه ای بر سر در سایتها و رسانه های دولتی قرار گرفته است. او گفته است "همه ما بخصوص مسئولان قوای سه گانه، شخصیتهای اجتماعی و آحاد مردم باید در سال جدید در جهت تحقق شعار مهم، حیاتی و اساسی یعنی "اصلاح الگوی مصرف در همه

جراحی اقتصادی ...

از صفحه ۲

نمی گردد بلکه امکان جبران فشارهای اقتصادی هم از دست می رود نه رفتار مصرفی جامعه اصلاح می شود و نه بازتوزیع حمایتی موثر بین مردم تحقق می یابد و در این صورت باصطلاح هم چوب را خورده ایم و هم پیاز را و هم نتیجه ای بدست نیآورده ایم پس برای وصول به نتایج فوق ناگزیر از رقم بالا و منطقی هستیم".

این رقم بالا و منطقی همان ۴۰ هزار میلیارد در سال آینده و ۱۰۰ هزار میلیارد در طی سه سال است.

هدفمند کردن یارانه ها با رقم ۴۰ هزار میلیارد تومان محقق می شود/ با ۲۰ هزار میلیارد تومان، مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، انگیزه لازم برای اصلاح الگوی مصرف و تولید را نخواهند داشت." و اضافه میکنند "بر این اساس دولت معتقد است در گزینه ۲۰ هزار میلیارد تومان و رقم های پائین، این قانون فی الواقع ظرفیت اجرایی خودش را از دست می دهد و بی اثر یا کم اثر می گردد و در نتیجه نه تنها بسیاری از اهداف قانون حاصل

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

جمهوری انسانی است!

جمهوری سوسیالیستی،

بازتاب هفته

باراک اوباما در دو صحنه!



سیامک بهاری

پیامهای نوروزی کاخ سفید آمریکا در دو سال گذشته سناریویی توجه برانگیز است! در سکانس اول، سال گذشته، باراک اوباما با سیاست تغییر، تازه به کاخ سفید راه یافته، محبوبیتی دارد، می‌خواهد سیاستهای سلفش را راست و ریست کند، در پی وصله پینه کردن سیاستهای جورج دبلیو بوش پسر و حذف سناریوی محور شرارت در رابطه با نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. پیام نوروزی او خطاب به حکومت اسلامی "بعنوان نماینده مردم ایران" است و همه جا از مردم و حکومت ایران همزمان و هم وزن نام میبرد. عبارت کثیف جمهوری اسلامی را همه جا به مردم ایران می‌چسباند و تا میتواند دست دوستی آمریکا را، به زور هم که شده میکشاند تا به دستان خونین جمهوری اسلامی برساند! بنی آدم اعضای یکدیگرند می‌خواند و سرکیسه شل میکند و سناریوی چماقی در دست، هویجی در کف را در بازار روز سیاست آن دوره می‌گذارد! کل سناریو تهوع آور و نفرت برانگیز است. مردم آزادیخواه و سرکوب شده ایران را بحق خشمگین می‌کند! کسی به نام "تغییر" در مناسبات سیاسی، روز روشن دارد نعل وارونه میزند و قربانیان بخت و خون کشیده شده ای را با خشن ترین حکومت قاتلین و اوباشان تاریخ معاصر یک کاسه می‌کند. با پیام سال گذشته اوباما، برای جمهوری اسلامی، رحمت الهی نازل میشود! گرگی را که می‌خواهد بدست می‌آورد و در حساب اعتبارات نداشته "قدرت بین المللی" خودش میریزد، در میانه میدان بر کوهی از جنایت و کشتار و سرکوب و ضدیت آشکار با حقوق بشر، گرد و خاک پیا میکند و رجز می‌خواند، دستان حکومت آمریکا را چنی می‌خواند و پرزیدنت اوباما و چرتکه انداختنهای کاخ سفید را منتر خودش می‌کند. در سکانس اول جمهوری اسلامی

دیوی است که دولت آمریکا دارد سر و شاخش را نوازش می‌کند. اما ... کمی بیش از دوماه از این گرگم به هوای دیپلماتیک و تغییر در سیاست با جمهوری اسلامی نگذشت که مردم ایران فرصت اعتراض علنی در خیابانها را به یک انقلاب جدی بدل می‌کنند! از این پس توجه جهانیان بقدرت واقعی و بستر اصلی تحولات سیاسی در ایران، بسوی مردمی جلب می‌شود که در زیر چکمه سنگین ترین دیکتاتورهای جهانی، شورانگیزترین صحنه های حماسی و مدرن ترین نمایش اعتراضی دهه اول قرن بیست و یکم را می‌آفرینند! همه حساب و کتابهای مماشات و بده بستان و زد و بند با جمهوری اسلامی از هر نوعش دود میشود و هوا می‌رود! مدعیان واقعی قدرت از حاشیه به متن می‌آیند و جا برای گریه رقصانی های مرسوم دیپلماتیک تنگ میشود. مبارزات مردم آزادیخواه ایران چنان قوی و کوبنده است که هر نوع رابطه با جمهوری اسلامی، اتوماتیک باید از بزرگراه مردم بگذرد و اگر مهر تایید نخورد باطل است! حالا حساب مردم ایران از سران حکومت اسلامی کاملاً جداست! کسی جرات نمیکند مرزهایی چنین شفاف و در عین حال عمیق و در ضدیت با هم را مخدوش کند. نه ماه مبارزات درخشان و کيفرخواست صریح مردم آزاده ایران علیه جمهوری اسلامی مهر خودش را بر هر رابطه ای با حکومت اسلامی زده است. دوباره زمین یکبار دیگر به دور خودش می‌چرخد. در سکانس دوم، باز هم نوروز است و در مقابل دوربین تلویزیون، اوبامایی نشسته است که پیام نوروزی اش این بار خطاب به مردم ایران است. ورق برگشته است، او از دخترکی می‌گوید که در خون تپیده است، میداند که "ندا" سمبل مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران، سمبل نفرت از حکومت اسلامی، سمبل مقاومت و ایستادگی مردم و شکست سیاست چماق سرکوب جمهوری اسلامی است. پرزیدنت اوباما از "تلاش برای دسترسی ایرانیان به اینترنت بدون سانسور" و از جمهوری اسلامی متزوی و حکومتی که حسن نیت جامعه بین المللی را ندیده گرفته سخن میراند! از افزایش فرصتها برای دانشجویان ایرانی جهت

تحصیل در محیط های دانشگاهی سخن بمیان می آورد و می‌گوید که صدای انقلاب مردم ایران را شنیده است. رئیس جمهور اوباما باید اعتراف کند که "جهان در سال گذشته مردمی را که خواستار برخورداری از حقوق انسانی خود بودند، با تحسین نظاره کرده است. اما با نهایت گره آرمانهای مردم ایران نیز با مشت گره کرده روبرو شده است". و در ادامه خطاب به رهبران جمهوری اسلامی ایران می‌گوید که "ما می‌دانیم که شما با چه چیزی مخالفید! اکنون بگویید با چه چیزی موافقت دارید" و رهبران حکومت اسلامی ایران را ناتوان از پاسخ به این پرسش می‌داند! دستی را که به سوی آنها دراز شده بود تنها مشت گره کرده خود پاسخ داده ند!

موضوع روشن است، پیام سال گذشته تلاش سیاسی ایالات متحده برای جلب رضایت سران جمهوری اسلامی و ایجاد فضای دیپلماسی آرامتر با یک جمهوری اسلامی کمی اهلی و متناسب با سیاستهای غرب است و پیام امسال تلاش سیاسی کاخ سفید، برای آماده کردن جهانیان و مردم ایران برای تحریمهایی است که دولت آمریکا در کنگره و در شورای امنیت سازمان ملل دنبال میکند! توجه به برنامه هسته ای ایران، بدون توجه به میلیونها مردمی که برای پایان دادن به عمر این رژیم تبهکار در خیابانند دیگر عاقلانه به نظر نمیرسد، یا به بیانی بهتر دیگر امکان پذیر نیست.

پرزیدنت اوباما در پیام نوروزی امسالش بعد از اشک تمساح ریختن برای مردم ایران، کماکان تاکید مواکد دارد که "پیشنهاد دیپلماسی و گفتگو با جمهوری اسلامی ایران که سال پیش ارائه کرد همچنان پا برجاست". پراگماتیسم سیاسی غرب بالاخره باید کار خودش را بکند! برای ما مردمی که پیرومندان با توان و قدرت خود، توانسته ایم در فضای دیپلماسی آلوده و بند و بستهای آشکار و نهان، چنین تناسب قوا را به نفع خود عوض کنیم، یک چیز مسلم است و آن اینست که ما سرمایه ای بجز خودمان و پشتیبانی مردمی مثل خودمان سطح جهان نداریم! مقایسه پیام نوروزی سال گذشته و امسال پرزیدنت اوباما، بدون تردید بر این نکته طلایی تاکید می‌گذارد که سال ۸۸ سال ما مردم بود! این سال را ما مردم با قدرت و فداکاری خود ساختیم!*

تصویب "بیمه خدمات درمانی در آمریکا"



بهروز مهر آبادی

بالاخره طرحی بنام "طرح پوشش بیمه خدمات درمانی" روز یکشنبه گذشته در آمریکا به تصویب مجلس نمایندگان رسید. این طرح که در ماه دسامبر به تصویب مجلس سنا رسیده بود، پس از بحث ها و کشمکش های فراوان بین جناحهای مختلف قدرت در آمریکا تصویب شد و باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا آن را امضا کرد. پیشنهاد های جدید در این طرح باید به تصویب سنا نیز برسد که ظاهراً امری قطعی است. وجود بیمه خدمات درمانی عمومی دهها سال است که در بسیاری از کشورهای اروپایی امری عادی است. مبارزات مردم و بویژه سازمانهای و احزاب کارگری توانسته است این حق را برای مردم بدست آورد هر چند که در سالهای اخیر دولتهای اروپایی برای باز پس گرفتن و یا محدود کردن آن تلاش زیادی کرده اند. طرح بیمه درمانی همگانی در آمریکا در واقع راه حلی برای پیشگیری از انفجار اعتراضات اجتماعی است که در سالهای اخیر بارها مقامات نهاد های مختلف در آمریکا نگرانی خود را از آن بیان کرده اند. در این طرح خدمات درمانی همچنان از طریق شرکت های بیمه انجام می شود. بر اساس این طرح شرکت هایی با بیش از ۵۰ کارگر موظفند کارگران خود را بیمه کنند، جوانان تا سن ۲۶ سالگی از بیمه والدین خود استفاده می کنند و همه اشخاص موظف به خرید بیمه درمانی می شوند و دولت به افرادی که فقیر شناخته شوند برای خرید بیمه کمک مالی خواهد کرد. شرکت های بیمه نمی توانند از بیمه کردن افراد خودداری کنند و هزینه های درمان پائین خواهد آمد. بحث هایی که در ماههای اخیر در این باره مطرح بود واقعیاتی را درباره قدرتمند ترین کشور سرمایه داری جهان در مقابل دید مردم جهان قرار داد. یک ششم جمعیت آمریکا یعنی بیش از پنجاه میلیون نفر تاکنون از بیمه خدمات درمانی محروم بوده اند. حتی آنها که ظاهراً بیمه ای دارند، با آنچنان موانعی برای استفاده از آن مواجه میشوند که با نداشتن بیمه

تفاوت چندانی ندارد. دهها میلیون بیکار از عهده پرداخت هزینه های سنگین خدمات درمانی بر نمی آیند. با وجود اینکه هزینه بهداشت و درمان در آمریکا ۱۶ درصد درآمد ملی را تشکیل می دهد و صنعت بیمه درمانی یک ششم اقتصاد این کشور است، آمریکا از نظر بهداشت و سلامت در ردیف سی و هفتم در جهان و امید به زندگی در این کشور در پائین ترین سطح نسبت به سایر کشورهای صنعتی است. بیش از بیست میلیون مهاجر غیرقانونی در این کشور از هرگونه تامین اجتماعی محرومند. هر سال تعداد زیادی از مردم آمریکا جان خود را از دست می دهند فقط بخاطر اینکه هزینه درمان بیماری خود را ندارند. آمریکا گرانترین سیستم درمانی دنیا را دارد تقریباً تمام امور درمانی از طریق شرکت های بیمه انجام می گیرد. این شرکت های غول های عظیم اقتصادی هستند که با چپاول دسترنج کارگران آمریکایی به ثروتهای عظیم دست یافته اند. فساد و بوروکراسی شرکت های بیمه برای پرداخت نکردن هزینه خدمات درمانی افراد و یا امتناع از بیمه کردن افراد به بهانه هایی از قبیل چاقی یا لاغری زیاده از حد و یا داشتن بیماریها و عوارض جسمی و یا دیر و زود پرداختن هزینه ماهانه، امری رایج است و در این مورد هزاران سند منتشر شده و فیلم های بسیاری ساخته شده است که یک فیلم بسیار افشاگرانه در این مورد فیلمی مستند است بنام "سیکو" از راجر مور کارگردان مشهور آمریکایی که با شواهد و اسناد بسیار وضعیت برآستی وحشتناک درمان و دارو در این کشور را افشا میکند. حزب بزرگ فعلاً در اپوزیسیون آمریکا یعنی حزب جمهوریخواه در مورد افزایش دخالت دولت در امور درمانی اظهار نگرانی می کند و اینکه این طرح در طول دهسال هزینه ای بیش از ۹۴۰ میلیارد دلار برای دولت آمریکا خواهد داشت که موجب بالا رفتن مالیات ها می شود. اما رئیس جمهور آمریکا و حزیش معتقدند که این پروژه از کسری بودجه خواهد کاست، بیکاری را کاهش خواهد داد و به کار شرکت های بیمه، شرکت های داروئی و موسسه های درمانی رونق خواهد داد. بر اساس برآوردهای انجام شده میلیونها آمریکایی به فکر درمان بیماریهایی خود می افتند و پس از تصویب این طرح ارزش سهام شرکت های داروئی و

بازتاب هفته

خیز برداشتن برای مهار "ایران پسا اسلامیزم"

یاشار سهندی

"و مژده آخر هم اینکه برخی از "جدید" سکولار شده‌ها" قرار است که در پایان هفته، آینده (۲۷ و ۲۸ مارس) در سمیناری در شیکاگو شرکت کنند. به مدت دو شبانه روز - با نام "کنفرانس بین المللی آینده سکولاریزم و نقش اجتماعی دین در ایران پسا اسلامیزم". این "مژده" را آقای اسماعیل نوری علا داده است که ناسیونالیسم را در پوشش سکولاریسم عرضه می‌دارد. گویا قرار است کسانی مثل سروش و گنجی که تا دیروز در صف جلاخان بودند و اکنون بدون آنکه جوابگویی اعمال خود در برپایی جهنم جمهوری اسلامی باشند در "کالج سنت فرست" در مورد آینده سکولاریزم در ایران پسا اسلامیزم سخنوری کنند و یک سرکوب خوین دیگر را این بار اما نه در پوشش دین، که این دیگر به ضد خود تبدیل شده است، بلکه در لوای سکولاریسم آنهم از نوعی دینی یا مذهبی یا سکولاریزم دین مداران و نامهای از این دست تدارک ببینند.

حقیقتش را بخوانید نوری علا بر خلاف آنچه که مژده داده، از اینکه در این کنفرانس دعوت نشده ناراحت است. چون خودش را سکولار واقعی میدانده یکی مثل سروش و گنجی را. دو ماه پیش در مقابل بیانیه ای که تحت عنوان پنج تن (دو تن از آن پنج تن سروش و گنجی بودند) منتشر شد، نوری علا دست از دهان کشید و ایشان را یک مشت سفسطه باز نامید. اما اکنون از سروش با احترام یاد میکنند که سکولار دین مدار است که درسخان "بلیغ" در باب سکولاریسم می‌فرماید و به طعنه ایشان را جدیداً سکولار شده‌ها مینامد. نوری علا ناراحت است و نگران، چرا که هنوز به بازی بزرگان دعوت نشده است. او به همراه دیگر شرکای فکری که فکر میکنند نماینده سکولاریسم در ایران هستند، دو ماه پیش بعد از وقایع ۶ دی بیانیه دادند که ما "بخش سکولار جنبش سبز" هستیم. و تاکید کردند، ضمن احترام فراوان به مالکیت خصوصی، این بنیان هر چه تبعیض موجود در جامعه، خواستار عدم تبعیض آنهم فقط برای ایرانیان هستند! اما گویا در نزد بزرگان هنوز کسی

مثل سروش معتبرتر است تا نوری علا، چون هر چه باشد امتحان پس داده هستند و همانگونه که نوری علا اشاره کرده "اصلاح طلبان مذهبی خود را برای اسب سواری در ایران پسا اسلامیزم آماده میکنند". آقای نوری علا سرکوب را اسب سواری مینامد چون اگر خدا یاری کند می‌خواهد خودش سوار این اسب باشد و شما کجا دیدید کسی خودش را سرکوبگر معرفی کند؟ حنا اصلاح طلبی دینی اما رنگ باخته. جنبش ۱۰ ماهه گذشته ثابت کرده که جامعه به چیزی جز یک حکومت سکولار در همه موازین اجتماعی رضایت نمیدهد. پرچم "سبز سیدی" رنگ‌ریاکاری است، رنگ چپاول است. اکنون پرچم سبز سکولاریزم لازم آمده است. به موضوعات سخنرانان که قرار است در این کنفرانس بیان شود که نگاه میکنید همه در این جهت است که اسلام را با سکولاریزم پیوند زنند. و تلاش کسی مثل نوری علا این است که سکولاریزم را با ناسیونالیسم کوروش کبیر پیوند زند. او بی پروا مدعی است که: "منشور کوروش بزرگ در دوهزار و پانصد سال پیش برقراری حکومتی بدون دین رسمی که آزادی همه، مذاهب و عقاید را تضمین میکند" را بیان کرده است. امثال ایشان در سال ۵۷ هم همین وظیفه را داشتند که بگویند محمد گفته: "لا اکراه فی الدین". (گنجی پته نوری علا را به آب داد و مشخص ساخت که ایشان در سال ۵۷ انقلابی تر از امام خمینی نمی شناخته است). نوری علا خیلی تلاش میکند که بزرگان را قانع سازد که سکولاریزم اسلامی کارایی نخواهد داشت. بلکه سکولاریزم از نوع کوروش کبیر میتواند بعنوان "بديل حکومت فعلی" مطرح باشد. به آن کسانی که "دین کاران" مینامد قول شرافت میدهد آنکس که اهل می است میتواند برود میخانه و دیگری که اهل نماز است میتواند برود مسجد! سکولاریزم ایشان در همین حد خلاصه میشود. نوری علا مدعی است در سی سال گذشته خلا نبروهای سکولار در ایران وجود داشته و گویا ایشان آستین همت بالا زده تا این نیرو را رسمیت بخشد و چنانکه خود میگوید بديل حکومت فعلی سازد. فقط به یک جمله از آخرین نوشته ایشان که ناراحتی خود و مژده کنفرانس مزبور را

داده یاد آور میشوم تا مشخص شود که ایشان مدعی پر کردن خلا سکولاریسم است چگونه از دستگاه روحانیت، این دستگاه جهل و خرافه پرکنی و سازمان دهنده جنایت بی‌شمار، یاد میکنند؛ ضمن اینکه یادآور میشوم سکولاریزم ایشان در حد همان سکولاریزم کوروش کبیر و شاهان ایرانی در دوهزار و پانصد سال پیش است (!) ایشان میگویند: "می دانیم که آیت الله خامنه ای (باور کنید این لقب را با اکراه تمام به این طلبه مدرسه نرفته می‌دهم) در نماز جمعه بعد از انتخابات ریاست جمهوری... توجه خواننده را به احترام فراوان ایشان به لقب "آیت الله" جلب میکنم. ایشان که اینگونه از مجلس شدن لقب آیت الله نگران است چگونه می‌خواهد بعنوان یک سکولار در مقابل دست اندازی مذهب مثلاً در رفتار با کودکان مقابله کند؟ اما آن ادعای خلا سکولاریزم در سی سال گذشته نیز خود افشاگر خیلی چیزهاست. ایشان چپ و کمونیستهای کارگری و جنبش وسیع سکولار را که می‌خواهد بطور همه جانبه دست مذهب را از جامعه کوتاه کند قرار است با یک نوك قلم حذف کند. این دیگر از شرافت سیاسی (!) امثال ایشان است که منکر این مبارزات هستند.

واقعیت این است که سکولاریزم کوروش کبیری و سکولاریزم دین مداری، کوشش های دیگری از نوع دیگر است برای به بند کشیدن و نهایتاً سرکوب جنبش آزادیخواهانه مردم ایران. جنبشی که هدف مستقیم ضربه آن حکومت مذهبی است نمی تواند "بديلي" غیر از یک حکومت سکولار داشته باشد. این سکولاریزم اما هیچکدام از دو نوع فوق نخواهد بود. سکولاریزم رادیکالی خواهد بود که یک ذره تخفیف برای مذهب قائل نخواهد شد. جدائی کامل مذهب از دولت، جدائی کامل مذهب از سیستم آموزشی، مذهب زدائی از زندگی اجتماعی، مذهب زدائی از امور شخصی و خانوادگی، مصون داشتن کودکان از مذهب، مقابله با مذهب بعنوان امر خصوصی و عقیده شخصی. این آن سکولاریزم واقعی و بیان کننده "بديل" واقعی حکومت فاشیستی - اسلامی است. اما کوششهای کالج مربوطه، و سکولاریستهای دین مدار و کوروش کبیر مدار گوشه ای از تلاش بورژوازی برای عقب راندن جنبش انقلابی و ضد مذهبی در ایران است. جنبشی که امر و هدف آن نه فقط کوتاه

کردن دست مذهب از جامعه، بلکه کوتاه کردن دست سرکوبگران و چپاولگران و مفتخوران از زندگی مردم محروم است.*

رفسنجانی و "هواداران وفادار رژیم"!



محمد شکوهی

در هفته های اخیر دوباره رفسنجانی بعد از بیعت مجددش با خامنه ای در صحنه سیاست رژیم فعالیت کرده و هر از چند گاهی خزعبلائی بر زبان می آورد. جدیدترین افاضات او در مورد اعتراضات جاری مردم است. رفسنجانی در مصاحبه ای در باره سی و یکمین سالگرد به قدرت رسیدن حکومت جانیان اسلامی ادعا کرده است که "اکثر معترضان و انهایی که در خیابانها به راه افتادند هواداران وفادار نظام هستند". این ادعای وی قرار است ایشان را از وضعیتی که در قبال خامنه ای و باندش بویژه در طول ۹ ماه گذشته در آن قرار داشته، درآورده و به طرف مقابل، یعنی هواداران خامنه ای بقبولاند که رفسنجانی پشت رهبر و ولی فقیه بوده و اگر "سکوتی" داشته فقط به خاطر رعایت "مصلح نظام و رهبری" بوده است. این ادعای بی شرمانه که مخالفان جمهوری اسلامی و مردمی که در این مدت ۹ ماهه گذشته در تظاهراتهای میلیونی شان شعار جمهوری اسلامی نمی خواهیم و مرگ بر اصل ولایت فقیه را سردادند و به اعتراف خود ولی فقیه مدتهاست کل نظام را زیر ضرب گرفته اند گویا طرفدار نظام اسلامی

تصویب "بیمه خدمات ...

از صفحه ۴

بیمارستانها افزایش چشمگیری یافته است. اما آنچه که در این مباحثات کمترین اهمیت را دارد درمان هزاران بیمار و تامین سلامتی میلیونها نفر انسان است. همه اینها با ترازوی منافع و سود دهی شرکت های بیمه سنجیده می شوند. مدافعان این طرح بارها اطمینان داده اند که در یک چشم انداز کلی به منافع این شرکت ها آسیبی وارد نمی آید. در این طرح کوشش شده است آسیبی به منافع این شرکت ها وارد نیاید. در جدال بین دو جناح

هستند، روشن است که قرار نیست کسی را قانع کند. بلکه قرار است به جناح خامنه ای پیام همراهی برساند و به مردم این پیام را بدهد که رفسنجانی آشکارا در مقابل آنها ایستاده است. و این دومی را مردم بهیچوجه نیاز ندارند که بشنوند. اظهارات این چنینی گویای وضعیت در هم ریخته و بی افقی کامل رژیمی است که دولتمردانش به پرت و پلا گویی افتاده اند. رژیمی که مردم نمی خواهند، و برای به زیر کشیدنش مشغول مبارزه ای بی امان هستند. و دست اندکارانش به هذیان گویی افتاده اند. و گر نه کدام عقل سلیمی اعتراضات میلیونی علیه حکومت را به حساب طرفداری از خودش جا می زند؟ در مورد تظاهرات ۹ دی رژیم اعلام کرد ۵۰ میلیون نفر در مراسم حکومتی ۲۲ بهمن به حمایت از حکومت شرکت کرده اند. دوساعت بعدش مجبور شدند اعلام بنمایند که صفر جوی عدد ۵ اضافی بوده است! رسماً اعلام کردند که صدها اتوبوس جمعیت کرابه ای برای مراسم حکومتی به تهران آورده اند و عکس هایشان را منتشر کردند. اعلام کردند که فقط نزدیک به دویلمیلیون بسیجی و پاسدار و قمع کش های حزب الهی را به تهران آورده اند. از این صحنه سازی ها و شارلاتان بازیها زیاد داشته اند و خواهند داشت. اما اینکه اینها بتوانند با این وضعیتی که در آن بسر می برند حاکمیتشان را ادامه بدهند، جای سوال جدی است. کشتی حکومت را نه رفسنجانی و نه خدای او و نه هیچکس دیگری نمیتواند از طوفانی که به حرکت در آمده نجات دهد. جمهوری اسلامی با تمام جناحهایش باید گوش را هرچه زودتر

ببندد.*

مقتدر سرمایه داری در آمریکا آنچه که نمی تواند مطرح باشد اهمیت و ارزش میلیونها انسان و وظیفه جامعه در تامین حداقل احتیاجات روزمره آنها است. طرح آقای اوباما شاید بتواند صحنه های فجیعی را که موجب رسوائی و بی آبرویی جامعه آمریکا شده بود، از مقابل چشم ها پنهان کند و برای دهها میلیون نفری که تاکنون از هیچ امکان درمانی برخوردار نبودند، امکانات مختصری فراهم کند، اما هنوز با بیمه درمانی در پایین ترین سطح آن حتی با معیارهای جوامع موجود صنعتی و سرمایه داری فاصله بسیار دارد.*

انتخابات عراق و ...

از صفحه ۱

فهرست متشکل از حزب الدعوه و تعدادی از هم پیمانان آن است. رتبه سوم به ائتلاف ملی عراق به ریاست عمار حکیم و ابراهیم جعفری تعلق دارد که ۱۹،۴۳ درصد آرا را بدست آورده است. این ائتلاف که مقتدا صدر و احمد چلبی نیز در آن قرار دارند در محافل خبری و سیاسی عراق به عنوان نزدیکترین ائتلاف و فهرست انتخاباتی به ایران نام برده می شود. ائتلاف "هستگتی کردستانی" تحت رهبری جلال طالبانی و مسعود بارزانی که از ۱۴ حزب و سازمان تشکیل شده است در رتبه چهارم قرار گرفته و حدود ۱۵،۲۷ درصد آرا را کسب کرده است. این ائتلاف در استان های اربیل، دهوک و سلیمانیه حائز اکثریت آرا شده و در کرکوک بعد از ائتلاف العراقیه به رهبری علاوی قرار گرفته است. رتبه پنجم به فهرست گوران (تغییر) به رهبری نوشیروان مصطفی معاون سابق طالبانی در حزب اتحادیه میهنی به ۴،۳۶ درصد آرا رسیده است. این جریان منتقد حاکمیت جلال طالبانی و مسعود بارزانی است و در مناطق کردنشین شمال عراق در رتبه دوم بعد از ائتلاف چهارده حزب به رهبری طالبانی و بارزانی قرار دارد. بقیه آرا به جریانات مذهبی و قومی کوچکتر تعلق گرفته است. نتیجه نهایی انتخابات عراق قرار است روز جمعه ۲۶ مارس اعلام شود. "با توجه به نتایج اعلام شده تا کنونی انتظار نمی رود که تغییرات جدی ای در نتیجه آرا اتفاق بیفتد. اما در همین چهار چوب و بر مبنای اخبار و گزارشات منتشر شده در عراق و خارج از عراق آنچه حائز اهمیت است این است که: اکثریت مردم از احزاب و جریانات حاکم ناراضی هستند و در میان امکانات موجود به احزاب اپوزیسیون و جریاناتی که حاکمین تا کنونی را مورد نقد قرار داده اند روی آورده اند. در سطح سراسری ائتلاف "العراقیه" به رهبری ایاد علاوی که خود را منتقد احزاب مذهبی حاکم معرفی کرده و خواهان تصفیه افراد "تندرو مذهبی" در ادارات دولتی و نیروهای نظامی بوده با بیشترین اقبال روبرو شده است. گفته میشود تمایل و تلاش آمریکا و ناظران سازمان ملل برای قدرت گیری علاوی مورد اعتراض رقبای دیگر قرار گرفته است. در جبهه مقابل جمهوری اسلامی تلاش کرد که حکیم و مقتدا

می توانست این باشد که اسرائیل از جانب صدام حسین مورد تهدید واقع بشود. مخصوصا که همه کشورهای عربی دل خونی از تحقیرهای اسرائیل داشتند. استراتژیستهای غرب و آمریکا راه چاره را در این دیدند که برای مهار معادلات سیاسی تازه در منطقه، صدام حسین را دشمن و خطری برای دولتهای عربی و مردم عرب تصویر کنند. حمله صدام حسین به کویت و اشغال این کشور سناریوی آمریکا را تکمیل کرد و صدام حسین با اتحادی جهانی از کشورهای غربی و عربی مواجه شد. آمریکا و دول غرب چنان وانمود کردند که برای حفظ آرامش منطقه که البته بخشی از واقعیت بود، باید دیکتاتوری صدام حسین را مهار کرد. نتیجه آن شد که نه تنها صدام حسین را از کویت بیرون کردند بلکه به عراق حمله کردند و کل آن جامعه را به ویرانه تبدیل کردند. این جنگ متناوبا تا سال ۲۰۰۳ ادامه داشت. در این مقطع آمریکا تصمیم گرفت کشور عراق را اشغال و صدام حسین را سرنگون کند و این کار را کرد. در نتیجه اجرای این سیاست آمریکا و متحدینش، دو اتفاق مهم در منطقه افتاد. اولاً یک بار دیگر ناسیونالیسم عرب این بار با مشارکت خود حاکمان کشورهای عربی تحقیر شد. دوماً یک قدرت منطقه ای که تا آن مقطع مانع موثری در ایجاد محدودیت در مقابل نفوذ جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه بود از میان برداشته شد. ادامه این روند جمهوری اسلامی را به نیرویی که تاز میدان سیاست در عراق و فلسطین و لبنان و تا حدودی افغانستان تبدیل کرد. آمریکا و متحدینش را در این کشورها زمین گیر کرد. آمریکا که در دوران بوش میخواست با این اقدامات سرکردگی خود را در دنیا تثبیت کند و جمهوری اسلامی را در لاک خود فرو ببرد و به سازش با خود بکشانند، ناچار شد برای جلوگیری از شکست قطعی و تکرار تجربه ویتنام به مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی روی آورد. در این مقطع تروریسم اسلامی به اوج قدرت و قلدری رسید. نفوذ جریانات اسلامی در دنیا گسترش یافت. سهم خواهی جریانات منبعت از جنبش اسلام سیاسی در دنیا شدت و حدت بیشتری گرفت. این هدفی بود که جمهوری اسلامی بعد از قدرتیگری در ایران به دنبال آن بود. اما ابتدا باید خود را در ایران تثبیت میکرد و جنگ ایران و

منطقه و جهان نمیتواند نتیجه اش قدرتیگری و یکپه تازی جریانات اسلامی طرفدار جمهوری اسلامی باشد. فاکتور دیگری که نباید نادیده گرفت رقابت کشورهای عربی با جمهوری اسلامی در عراق و منطقه است. حوادث فوق کمک کرده است ناسیونالیسم عرب در عراق از جایگاه مهمتری به نسبت اسلام سیاسی و برخوردارشود. الیت سیاسی و استراتژیستهای جریانات ناسیونالیست عرب متوجه این واقعیت شده اند که برنده شکست ناسیونالیسم عرب اگر در جنگ ۶ روزه اسرائیل بود، در جنگ دول غرب با صدام حسین جمهوری اسلامی برنده آن شد. این احساس و ارزیابی باعث شده است که نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و کشورهای بحران زده منطقه به سرعت کاهش پیدا کند و سیر افول خود را طی کند. بویژه جنبشی که در ایران آغاز شده است این امید را تقویت کرده است که جامعه جهانی همراه مردم ایران جشن پایان حاکمیت و قلدرممنشی اسلام سیاسی را بر پا کنند. این روندهای عمومی که در بالا به آنها اشاره شد، متأسفانه با غیبت یک نیروی جلی و قدرتمند چپ و کمونیست در عراق ورق خورده است. اما با در نظر گرفتن این تحولات و نیروهای صاحب نفوذ در عراق جامعه راه استقرار نظم و برگشتن به قامت و هیبت یک جامعه نرمال بورژوازی را طی میکند. طبقه کارگر در این جامعه به سرعت وارد میدان سیاست و تاثیر گذاری خواهد شد. دوران تشتت و جنگ و ترور که حدود ۳۰ سال است جامعه عراق را به کام خود فرو برده است، امکان قدرتمندی را از جنبش کارگری گرفته بود. در این دوران ۳۰ سال گذشته طبقه کارگرنیوانست دوران رشد جنبش و قدرتیگری خود را شاهد باشد. اما جامعه اکنون وارد فاز دیگری شده است. این میتواند آغازی جدی برای رشد جریانات سیاسی چپ و کمونیست آن جامعه باشد که بتوانند با درک روح زمانه خود، با ارزیابی تازه و با رویکردی جدید فاز دیگر و موثرتری از فعالیت و تاثیر گذاری را آغاز کنند.*

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai

Konto. Nr.: 583657502

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank

4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green, Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779

BIC: NWBK GB 2L

سوالاتی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

سال نو در مقابل زندان اوین، در بهشت زهرا، و در خاوران مهران نصیری

عزیزان را گرمی میدارند و خشم و نفرت خود را از جنایات رژیم اعلام میکنند. امسال نیز به رسم هر سال خانواده ها قرار این تجمع را گذاشتند. جمهوری اسلامی امسال که بیش از هر سال از این جمع شدن ها وحشت دارد، از قبل از جمعه با تعدادی از خانواده های جانبازان تماس گرفت و آنها را شدیداً تهدید کرد. زیر فشار این تهدیدات تعدادی از خانواده ها نتوانستند در خاوران جمع شوند و تعدادی مخفیانه خود را به آنجا رساندند و در واقع به نمایندگی از همه خانواده ها و همه انسانهای آزادیخواه یاد عزیزان جانبازان را گرمی داشتند. خاوران، محل دفن اجساد انسانهای آزادیخواهی است که در تابستان ۶۷ توسط این رژیم به جوخه های اعدام سپرده شدند و بصورت دسته جمعی در این محل دفن شدند. از آن زمان تا کنون خاوران به محل تجمع خانواده ها و گرامیداشت آزادی و انسانیت تبدیل شده است. سال نو را به خانواده های جانبازان را به آزادی تبریک میگویم و از جانب همه مردم آزادی خواه اعلام میکنم که ما در کنارشان هستیم.*

گرامیداشت یاد کیانوش آسا در کرمانشاه



روز اول فروردین در باغ فردوس کرمانشاه عده ای از مردم همراه با خانواده کیانوش آسا با در دست داشتن گل یاد او را گرمی داشتند. کیانوش آسا از جانبازان دور اخیر مبارزات انقلابی مردم است که در ۲۵ خرداد در تهران به دست جانیان جمهوری اسلامی به قتل رسید. محاکمه سران جنایتکار رژیم یک خواست فوری مردم ایران است.

داشتند. همچنین از ظهر اول فروردین جمعی از سینماگران همراه خانواده های خود در برابر زندان اوین اجتماع کرده و خواستار آزادی جعفر پناهی شدند. تلاش سینماگران جهت گفتگو با مسئولین زندان اوین بی نتیجه ماند. نیروی انتظامی و گارد ویژه نیز از ساعت ۳ عصر در مقابل اوین مستقر بودند.*

به یاد ندا و همه جانبازان سال گذشته



در آخرین پنجشنبه سال جمعی از خانواده های جانبازان از جمله مادر ندا آقا سلطان در گورستان بهشت زهرا گرد آمدند و یاد عزیزان از دست رفته را گرمی داشتند. در این تجمع آرامگاه ندا و سهراب اعرابی و اشکان سهرابی را که به سبیل انقلاب مردم تبدیل شده اند گلباران کردند. جمعیت انبوهی گرد آمده بودند و به جانبازان ادای احترام کردند. در این مراسم مادر ندا آقا سلطان در حالی که با صدای بلند گریه میکرد و اشک میریخت از مردم خواست که یاد جانبازان را گرمی بدارند و هیچگاه آنها را فراموش نکنند. مأمورین حکومت اسلامی در اطراف محل تجمع، وسیعاً حضور یافته اند و جمعیت را زیر نظر داشتند اما با توجه به انبوه جمعیت جرات دخالت پیدا نکردند.

تجمع در خاوران



خانواده های جانبازان راه آزادی، خانواده های جانبازان اعدامهای سال ۶۷ جمعه آخر هر سال در خاوران جمع میشوند و یاد

تجمع مقابل زندان اوین



کمتر از یک ساعت به شروع سال جدید خانواده های زندانیان سیاسی به رسم هر سال به مقابل زندان اوین رفتند تا با همبستگی با عزیزانشان در داخل زندان سال جدید را جشن بگیرند و اعتراض خود را به دربند بودن آنها در زندان اعلام کنند. اما امسال اوضاع متفاوت بود. در ادامه تجمعات پر شور شبانه در مقابل اوین و در تداوم یکسال مبارزات علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، ما شاهد این تجمع بودیم. میتوان گفت تجمع سال نو در مقابل اوین در ادامه مبارزاتی است که برای آزادی زندانیان سیاسی از زندان شاهدش هستیم و انقلاب میروید که درب زندانها را بگشاید. اما از ساعتها قبل اطراف اوین در محاصره نیروهای سرکوب رژیم بود. چرا که آنها به وخامت اوضاع و خشم مردم کاملاً واقفند. نیروهای انتظامی با تهدید و ارباب سعی در پراکندن جمعیت کردند. و کار به درگیری کشید. در این شب این تنها خانواده های زندانیان سیاسی نبود که به مقابل اوین آمده بودند، بلکه خانواده های زندانیانی که قبلاً آزاد شده بودند و خانواده های جانبازان و مردم دیگر آنها را همراهی میکردند. و جمعیت به چند صد نفر میرسید. نیروی انتظامی تلاش تمام داشت که جمعیت را متفرق کند. پلاک های اتومبیل هایی که به آنجا آمده بودند را میکشیدند و آنها را تهدید میکردند. و با ضربات باتوم شیشه برخی از ماشین ها شکسته شد. خانواده ها نتوانستند دور سفره هفت سین جمع شوند. اما با اجتماعشان در مقابل اوین اعتراض خود را اعلام

مقدسات ملی - مذهبی و ...

از صفحه ۱

تری است اما در دوره ما ناسیونالیسم و تعصبات ملی (که معمولاً با قوم گرایی و نژاد پرستی کمی خجول و پوشیده نیز همراه است) شیوع بیشتری دارد. ناسیونالیسم آیدمی و بیماری شایع دوران جدید، دوره سرمایه داری است که در همه جوامع عصر ما، حتی در پیشرفته ترین کشورها، پیداد میکند. در همه فرهنگهای "ملی" تعصبات ناسیونالیستی، پرچم و آب و خاک و تمامیت ارضی و تاریخ نیاکان و قهرمانان ملی - که معمولاً شاهان و حاکمان مهاجم و تجاوز گر به ملت‌های دیگرند - برتر دانستن و ترجیح دادن "وطن" و "ملت" خود بر "جانب" و "بیگانگان"، جزء تابوها و مقدسات مسلم و بدیهی محسوب میشود و هر نوع زیر سؤال بردن و به نقد کشیدن این مقدسات امری مذموم و ضد اخلاقی و خیانت به وطن و غیره بشمار می آید که یا قانوناً ممنوع است و یا عملاً با سرکوب و انواع محدودیت‌ها مواجه میشود.

واقعیت آنستکه تعصبات و تابوها و دگمهای ناسیونالیستی در همه کشورها - اعم از پیشرفته و عقب مانده - یکی از مهمترین ابزارهای سلطه سیاسی طبقه سرمایه دار، یک اقلیت ناچیز صاحب ثروت و سرمایه، بر کل مردم است. مقوله ملت به طبقه حاکمه اجازه میدهد دولت و حاکمیت خود را فراطبقاتی جلوه دهد و منافع طبقه خود را منافع کل "ملت" جا بزند. این توسل به ملت و ملیت و یاد زدن به هویت ملی و مقدسات ملی بویژه در جنگ‌هایی که دولتهای سرمایه داری برای حفظ و بسط منافع طبقه حاکمه هر کشور در رقابت با سرمایه داران کشورهای دیگر بر پا میکنند و در توجیه کشتار و توحش و جنایات جنگی برای مردمی که هیچ منفعتی در این جنایات ندارند نقش تعیین کننده ای ایفا میکند.

اما فواید ناسیونالیسم برای طبقه حاکمه تنها به دوره جنگ محدود نیست. مینا و مضمون همه مقدسات و تعصبات ناسیونالیستی

در جنگ و صلح جا زدن منافع یک اقلیت مفتخور بعنوان منافع کل مردم است. از همین روست که در تمام کشورها نه تنها هر نوع نقد و افشای ناسیونالیسم و تعصبات و "ارزشهای" ملی، غیرقانونی و یا در بهترین حالت مذموم و غیر اخلاقی تلقی میشود بلکه تابوها و تعصبات ناسیونالیستی عملاً غل و زنجیری به پای کل آزادیها و هر نوع نقد و اعتراض است. در همه کشورها خیانت به وطن، توهین به مقدسات ملی، عامل بیگانه و غیره از رایج ترین و وجیه المله ترین اتهامات برای خفه کردن صدای هر نوع مخالفتی است. و از همین رو باید تاکید کرد که برسمیت شناختن و در هم شکستن تابوها و دگمها و مقدسات ملی و ناسیونالیستی یکی از پیش شرطهای مهم تضمین آزادیهای سیاسی و مدنی در همه زمینه‌ها است.

مانع اساسی دیگر در برابر آزادی، مذهب است. مذهب قدمت و سابقه سرکوب و عوامفریبی طولانیتری از ناسیونالیسم دارد. در تمام دوران سیاه قرون وسطی مذهب دست در دست اشراف و دربار هر نوع آزاد اندیشی و خلاقیت و شکوفائی فکری را با شکنجه و اعدام و سنگسار و زنده در آتش سوزاندن پاسخ میداد. و امروز هم در هر جامعه‌ای هر اندازه مذهب مسلط باشد - در حاکمیت و دولت و یا در قوانین و یا حتی بعنوان یک امر فرهنگی و عقیدتی و یک سیستم اخلاقی و ارزشی - به همان اندازه محدودیتی بر سر راه آزادی و رشد و خلاقیت فکری و ذهنی است.

تاریخا مبارزه برای آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی با رنسانس ضد مذهبی در اروپا آغاز شد و در عصر روشنگری به اوج خود رسید. پیشرفت هنری و فرهنگی و علمی و فلسفی در گرو این بود که دگمها و مقدسات و تابوهای مذهبی در هم شکسته شود و آزادی نقد و اعتراض و انتقاد به مذهب در محور مبارزه برای آزادیهای مدنی و سیاسی قرار داشت. در این نبرد مذهب با قساوت تمام از قدرت و سلطه خودش دفاع

کرد. جوردانو برونو را زنده در آتش سوزاند و گالیله‌ها را به توبه واداشت و هزاران آزاد اندیش دیگر را بجرم کفر و الحاد سر برید اما در نهایت به عقب رانده شد و در بسیاری از کشورهای غربی دست مذهب از قدرت سیاسی قطع شد. اما بورژوازی تازه بقدرت رسیده بسرعت دریافت که میتواند خود مذهب را برای در انقیاد نگهداشتن توده مردم بکار بگیرد و از همان مقطع کمون پاریس "کفر و الحاد" چماقی شد بر سر کارگران معترض و انقلابی و بعد هم کمونیست‌هایی که پرچمدار سیاسی کارگران در مبارزه علیه وضع موجود بودند. به این ترتیب در جوامع امروزی مجموعه ای از مقدسات ملی و مذهبی جزء زرادخانه طبقه حاکمه و دولتهایشان برای سرکوب آزادیها است. و در مقابل مبارزه برای آزادیهای بی قید و شرط، و نقد و افشای مذهب و ناسیونالیسم و جوهر ضد انسانی دستگاه فکری و "ارزشهای" و تابوهای ملی و مذهبی امر طبقه کارگر و کمونیستها است.

ما کمونیستها خواهان یک جامعه سکولار به معنای وسیع و عمیق کلمه و یک جامعه بری از تعصبات و تعلقات ناسیونالیستی هستیم. ما برای آزادی نقد مذهب و آزادی نقد ناسیونالیسم و کلا آزادی نقد هر نوع تابو و مقدسات مبارزه میکنیم. آزادی نقد مذهب و ناسیونالیسم یک رکن اساسی تضمین آزادیهای بی قید و شرط است.

از سوی دیگر ما خواهان محدود کردن آزادی هیچ نوع تفکر و عقیده ای حتی افراطی ترین عقاید مذهبی و ناسیونالیستی نیستیم. همه باید در نشر عقایدشان کاملاً آزاد باشند. ما خواهان محدود شدن آزادی تبلیغات ناسیونالیستی و مذهبی نیستیم بلکه تنها میخواهیم نقد این عقاید نیز آزاد باشد. آزادی نشر همه عقاید کاملاً به نفع ما، به نفع ما کمونیستها و کارگران و محرومانی است که در تمام طول تاریخ به بهانه توهین به مقدسات ملی و مذهبی سرکوبشان کرده اند و زیانشان را بریده اند. مذهبیون، پاپ و اسقفها و کشیشها و خاخامها و آخوندها و آیت الله‌ها همیشه از حق نشر نظرات و استفاده

از بهترین تریبونها و امکانات برای تبلیغ خرافاتشان برخوردار بوده اند. ناسیونالیسم نیز همیشه یک جزء اصلی تبلیغات همه دولتها بوده است. آنچه هیچگاه آزاد نبوده و در همه کشورها با اتکا به قانون و یا بزور تابوها و دگمهای اخلاقی جلو آنرا گرفته اند انتقاد از مذهب و ناسیونالیسم بوده است. جامعه آزاد به معنای واقعی کلمه جامعه ایست که در آن نقد فکری و علمی و هنری مذهب آزاد باشد. مردم، نویسندگان، شاعران، فیلمبرداران، طنز نویسندگان باید حق داشته باشند هر چه میخواهند در نقد مقدسات مذهبی و ملی و هر نوع مقدسات دیگری بنویسند و بخوانند و بسازند. دولت نباید و حق ندارد بعنوان کلید دار حقیقت و اخلاقیات و ارزشها در جامعه ظاهر شود. فکر و علم و فلسفه و هنر رسمی نداریم. مذهب رسمی و نژاد و ملیت و زبان رسمی هم نداریم. حقیقت، منافع عمومی مردم و خیر و صلاح جامعه وقتی پاسداری و رعایت و تامین میشود که همه بتوانند بگویند و بنویسند و

نقد و بحث و جدل فکری کنند. و بالاخره تنها در یک جامعه سوسیالیستی، جامعه ای انسانی که در آن از تبعیض طبقاتی خبری نباشد آزادیهای سیاسی و مدنی میتواند به جامع ترین و وسیع ترین شکل متحقق شود. همانطور که در بالا اشاره شد مذهب و ناسیونالیسم دو عامل مهمی بوده اند که در طول تاریخ برای حفظ منافع طبقه حاکمه، یعنی یک اقلیت ناچیز، تحت لوای دفاع از منافع مردم بکار گرفته شده اند. در نظام سوسیالیستی با خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکمه و بنا کردن و سازمان دادن تولید اجتماعی بر مبنای نه سود و سود آوری بلکه تامین رفاه همه مردم در پایه ای ترین سطح، ضرورت بقای مذهب و ناسیونالیسم و هر نوع مقدسات مسخ کننده انسان از بین خواهد رفت. نظامی که خود مردم بر سرنوشته سیاسی خود حاکم باشند نه نیازی به تعصبات و مقدسات ملی و قومی و مذهبی خواهد داشت و نه نیازی به محدود کردن آزادیها. *

کانال جدید را وسیعاً تبلیغ کنید

برنامه های کانال جدید از ماهواره نایل ست و ۲۴ ساعته پخش میشود. مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعاً آنرا تبلیغ کنید.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7
Degrees West Freq: 10873
Polarity: Vertical Symbol Rate: 27,500
Fec: 3/4

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

مینا احدی از سخنرانان کنفرانس مطبوعاتی حقوق بشر در بن



برای آزادی ایران
- جنبش ديمقراسی خواهانه بین المللی برای ایران- علی بابایی مسئول یونایتد برای ایران - دارمشتات
- تعقیب بهاییان در جمهوری اسلامی ایران- دکتر امانوئل توفیق از تشکل بهاییان در برلین
- آزادی مذهب در ایران- دکتر سعید آزمایش ، مذهب شناس از پاریس
- علت های دیکتاتوری مذهبی در ایران- دکتر وحید وحدت خواه از فونداسیون اروپا برای ديمقراسی - برلین
گرداننده بحث این کنفرانس، مارتین لزنیتین سخنگوی جامعه بین المللی حقوق بشر است.

به گزارش کمیته بین المللی علیه اعدام، ساعت ۱۱ صبح روز جمعه ۲۶ مارس (۶ فروردین) "جامعه بین الملل حقوق بشر" به مناسبت سی و هشتمین سالگرد فعالیت خود، کنفرانس مطبوعاتی در شهر بن آلمان برگزار میکند که تا ساعت ۱۲:۳۰ ادامه خواهد داشت و بدنبال در ساعت ۵ بعد از ظهر یک فوروم در مورد حقوق بشر در ایران برپا خواهد شد. بنا به اطلاعیه برگزارکنندگان کنفرانس، این کنفرانس با حمایت و زیر نظر جرسی بوزک رئیس پارلمان اروپا برپا میشود. موضوعات و سخنران کنفرانس عبارتند از:
- حقوق انسانی در ایران ، امروز و در آینده - مینا احدی فعال مدافع حقوق انسانی ، کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار - کلن
- ساختن یک جامعه مدنی در ایران- رضا پهلوی مسئول جنبش

شرکت کنیم و نقش فعال داشته باشیم. بهمین منظور فرشاد حسینی بعنوان نماینده ویژه "کمپین جمال را آزاد کنید" در توکیو حضور خواهد داشت. بگذار دولت و وزارت دادگستری ژاپن باردیگر دریابد که جهان نظاره گر رفتارهای غیر انسانی آنها با پناهندگان و مهاجرین و از جمله با جمال صابری است که خود همواره در صف اول دفاع از حقوق پناهندگان در ژاپن بوده است. بگذار در ۳۱ مارس مقامات ژاپنی بیش از پیش دریابند که نه فقط هرگونه نقشه برای دیپورت جمال به چمن جمهوری اسلامی و بند و بست با حکومت جنایتکار ایران به معنای رسوایی جهانی آنان خواهد بود، بلکه تا آزادی فوری جمال و تحقق خواسته هایمان از پا نمی نشینیم. همبستگی- فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۲۳ مارس ۲۰۱۰

۳۱ مارس ۲۰۱۰ روز اقدام جهانی علیه سیاست های ضد پناهندگی دولت ژاپن جمال را آزاد کنید!

دارند. در این تظاهرات ها ما ضمن اعتراض به سیاست ها و رفتار فاشیستی دولت ژاپن علیه پناهندگان، از مبارزه و خواسته های هزاران نفری که در سیاهچال های وزارت دادگستری ژاپن گرفتار آمده اند، حمایت میکنیم. ما همچنین رفتارهای وزارت دادگستری و دولت ژاپن علیه جمال صابری مدافع سرشناس حقوق زنان و کارگران و مردم ایران که حدود بیست سال است در ژاپن بسر میبرد را بعنوان نمونه ای برجسته از سیاست های دولت ژاپن مطرح خواهیم کرد. ما خواهان آزادی فوری جمال صابری از زندان وحشتناک وزارت دادگستری، توقف دیپورت وی به ایران و پذیرفتن پناهندگی او در ژاپن میشویم. علاوه بر این روز ما میکوشیم تا همپای دوستان ژاپنی خود در اعتراضات ۳۱ مارس در توکیو

مارس ۲۰۱۰ روز اقدام جهانی علیه سیاست های ضد پناهندگی دولت ژاپن. جمال را آزاد کنید!
از آنجا که در ۳۱ مارس اجتماعات و اقداماتی در اعتراض به رفتارهای دولت و وزارت دادگستری ژاپن با پناهندگان در خود این کشور برپا میشود؛ و از آنجا که در این روز بازرس ویژه سازمان ملل (آقای بوستامانسته) طی کنفرانس مطبوعاتی در توکیو نتایج بازرسی خود در مورد وضعیت پناهندگان در ژاپن را ارائه خواهد داد؛ لذا "کمپین جمال را آزاد کنید" روز ۳۱ مارس ۲۰۱۰ را بعنوان روزی برای اقدام جهانی علیه سیاست های ضد پناهندگی ژاپن اعلام میکند. از تمامی واحدها و دوستداران کمپین در سراسر جهان دعوت میکنیم تا در روز چهارشنبه ۳۱ مارس تظاهرات هایی در برابر سفارتخانه ها و کنسول های ژاپن برپا



علیه رژیم اسلامی تاکید گردید. در این مراسم همچنین پرچم رژیم اسلامی و عکس خامنه ای بعنوان سمبل وضعیت ضد انسانی در ایران در میان شادی و حمایت حاضرین و عابران به آتش کشیده شد و اعلامیه های دفاع از جمال صابری در میان عابرین پخش شد. در انتهای مراسم نامه های منفردی که دوستان در حمایت از جمال صابری و حق پناهندگی امضا کردند به سفارت ژاپن تسلیم شد.

به چهره ای شناخته شده و همیشگی در جمع تظاهرات کنندگان در آن شهر تبدیل شده و زحمات زیادی برای تدارک این تظاهرات کشیده بود. طی این تظاهرات ۴ سخنرانی در دفاع از حق پناهندگی بطور کلی و حق جمال صابری برای پناهندگی سیاسی انجام شد. در این سخنرانی ها حکومت ژاپن بخاطر بند و بست با رژیم اسلامی محکوم گردید و بر ادامه فعالیت برای آزادی جمال صابری و بر

تظاهرات در حمایت از جمال صابری در واشنگتن

حزب کمونیست کارگری ایران، که از جمله سخنرانان این تظاهرات بود، اهمیت این تظاهرات از این جهت بود که از طیفی از انسانهای آزادیخواه با گرایشات مختلف سیاسی تشکیل شده بود و دو فعال جوان آمریکائی هم در این تظاهرات حضور بسیار فعال و چشمگیری داشتند. همچنین خانم ماری از گروه "برای ایرانی آزاد" دیگر

روز یکشنبه ۲۱ مارس تظاهراتی به ابتکار گروه "برای ایرانی آزاد" در مقابل سفارت ژاپن در واشنگتن دی سی برپا شد. این تظاهرات با هدف حمایت از حقوق انسانی جمال صابری، وسایر پناهندگان دربند در کشور ژاپن و در برابر سفارت این کشور در واشنگتن دی سی انجام شد. به گزارش سعید صالحی نیا کادر

حکم اعدام برای یک پرسنل نظامی

جامعه را فرا گرفته باید تلاش کرد که جنبش علیه اعدام و کشتار را گسترده تر کنیم و اجازه ندهیم که این جانبران مردم را بیش از این قربانی کنند. انترناسیونال از همه کسانی که اطلاعات دقیق تری در مورد این محاکمه و جوانب آن دارند میخواهد که این اخبار را به ما برسانند. ما همه مردم را به مبارزه علیه اعدام علی محمدی مستقل از اینکه جرمی مرتکب شده یا نه فرا میخوانیم. این ابزار ضد انسانی کشتار و اعدام را باید از دست حکومت اسلامی و هر حکومتی گرفت.

فضای اعتراضات و مخالفت های گسترده در ایران علیه حکومت اسلامی، و با انتشار اخبار متعددی از سرپیچی نظامیان از دستورات فرماندهانشان برای سرکوب مردم، میتوان این احتمال را قوی دانست که علی محمدی مقدم را به جرم همراهی با مردم و برای عبرت گرفتن سایر مخالفین جمهوری اسلامی در صفوف نیروهای مسلح به اعدام محکوم کرده اند. جمهوری اسلامی حکومت اعدام و کشتار است. اما امروز که موجی از اعتراض و خشم و سرنگونی طلبی

بنا به گزارشها دادرسی نظامی تهران "یک نظامی" را به اعدام محکوم کرده است. بنا به این گزارش جلسه رسیدگی به پرونده علی محمدی مقدم، یکی از نظامیان به جرم اقدام علیه امنیت ملی تشکیل شد. در این جلسه دادرسی نظامی استان تهران، نامبرده را در مورد اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق جاسوسی مجرم شناخت و او را به اعدام محکوم کرد. اتهام "جاسوسی" معمولاً از جانب نهادهای جمهوری اسلامی به هر مخالف و منتقدی زده میشود. در

اوج وحشیگری جمهوری اسلامی: محکومیت به اعدام سه عضو یک خانواده در مهاباد

اسلامی ایران است. به این احکام باید فوراً اعتراض کرد و خبر این سه حکم اعدام را باید در همه جا پخش کرد. باید کاری کنیم که موجی از اعتراض علیه جمهوری اسلامی ایران و این احکام اعدام راه بیفتد. کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند به این احکام اعدام اعتراض کنند. کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۲ مارس ۲۰۱۰

طبق اخباری که اخیراً منتشر شده یک مادر و دو فرزند او در زندان مهاباد به اعدام محکوم شده اند. جازیه درویش زاده مادری است که گفته میشود به اتهام جرائم اجتماعی به اعدام محکوم شده است. همزمان جنایتکاران حاکم بر ایران دو فرزند او افسانه درویش زاده ۱۹ ساله و فتح الله درویش زاده ۲۱ ساله را نیز به اعدام محکوم کرده اند. این یک نمونه بارز دیگر از جنایت پیشگی و وحشیگری حکومت

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



مراسم نوروزی جمهوری اسلامی در فرانکفورت آلمان بر سرشان خراب شد!

دوشنبه ۲۲ ماه مارس، جمهوری اسلامی ایران در شهر فرانکفورت، مخفیانه مراسم نوروزی برپا کرد و به محض پخش خبر، مخالفین جمهوری اسلامی ایران در مقابل این محل، تجمع کرده و به این مراسم جنایتکاران اسلامی اعتراض کردند.

صدای شعار دادن و اعتراض ایرانیان حاضر در محل توجه ها را بخود جلب کرده است. شهنواز مرتب در این تجمع اعتراضی بارها سخنرانی کرده و اعلام کرد که حکومتی که در ایران جوانان را به قتل رسانده و به مخالفین رحم نمیکنند و تجاوز و اعدام و شکنجه در زندانهایش تا همین امروز در اینجا اجازه نمیدهد مراسم بگیرد. مردم ایران حکومت اسلامی نمیخواهند و ما جشن قاتلین را بر سرشان خراب میکنیم.

حدود ساعت ۹ شب، وقتی تعدادی از مقامات کنسولگری رژیم، از مراسم بیرون آمدند، با حمله مردم خشمگین روبرو شده و گوشمالی داده شدند.

ایرانیان داخل و خارج کشور صمیمانه تبریک می گویم و بار دیگر به این عزیزان که در این شب این حرکت پر شور را آفریدند خسته نباشید می گویم و روی تک تک آنها را می بوسم. شما عزیزان سال نو را اینچنین به همه ایرانیان مخالف رژیم اسلامی در هر کجای دنیا که هستند تبریک گفتید. زنده باد انسانیت.



محمدامین کمانگر

باغ وحش فرانکفورت امشب پذیرای وحشیهای رژیم اسلامی شد!

جانوران اسلامی در بین انسانها جایی ندارند، جشن نوروزشان را مخفیانه و در باغ وحش فرانکفورت میخواستند جشن بگیرند که این خبر لو رفت و جشن در باغ وحش هم بر سرشان خراب شد.

پلیسها انفجار جمعیت را که دیدند احساس کردند که به داخل سالن حمله می شود. زنگ زدند و تقاضای نیروی کمکی کردند که در کمتر از پنج دقیقه تمام محیط ما پر از پلیس شد. فقط فیلمبرداری بی طرف و ماهر می توانست این حرکت شورانگیز را فیلم برداری کند تا به جهانیان نشان داده شود که قاتلین رژیم اسلامی فقط و فقط در پناه تانک وتوپ و اسلحه است که دارند کردن می زنند و زبان می برند و زمانیکه اسلحه ازشان گرفته شود جز مفلوک ترین آدمها هستند. مخصوصاً در خارج کشور از ترس خشم مردم دبلیم و می بینیم که چگونگی در پشت پلیس کشور میزبان خود را قایم می کنند. این حرکت و این تعرض بسیار زیبا، یاد آور حرکت شورانگیز جوانانی بود که در تهران به سروکوبگران اسلامی در روز عاشورا تعرض نمودند و درس عبرتی به آنان دادند.

مسئله دیگری که باید نشان داده شود این است که این جانوران اسلامی دیگر در میان آدمیزادها جایی ندارند، زمین ثابت و آرامی نیست که رویش پا بگذارند. در نتیجه برای اینکه دور هم جمع شوند ناچارند به باغ وحشها پناه ببرند. همین مراسم جشن نوروزی رژیم اسلامی در باغ وحش فرانکفورت، گویای این حقیقت است. خلاصه، این شعارها این تحریک و شورو شوق و این تعرض برق آسا جشن را بر سرشان خراب کرد. و پس از مدت کوتاهی مجبور شدند که برق سالن را خاموش کنند و در تاریکی فرار کنند. در میان این حرفها بود آرام، آرام، ساکت باز اینور، نه از آنور، برو جلو، مواظب باش، از این در جلو، نه نه از آن و.... مردانیکه چند ساعت پیش چند قدم جلوتر از همسران و فرزندان خود حرکت میکردند، با قیافه های شش در چهار راه می رفتند تا وارد سالن جشن شوند و.....؟ هم اکنون سر افکنده و در رف پست سرهم با معیت پلیس توانستند باغ وحش فرانکفورت را ترک کنند.

و در اینسو ما بودیم که جشن مزدوران را بر سرشان خراب کرده بودیم. این انسانها در اینسوی خط در شور و شوق و هیجان بودند، شعار می دادند. شادی می کردند و می رقصیدند، دست

خارج کشور چرا، و چگونه، و یا چه پول گزافی بر گزار می شود، در صورتیکه ماهها دستمزد کارگرانی که کار کرده اند و زحمت کشیده اند داده نمی شود و اکثریت مردم ایران زیر خط فقر زندگی می کنند. در حالیکه فقر و فحشا در ایران کولاک می کند، پول مملکت خرج چه چیزهایی می شود. معترضین یک نفس و خستگی ناپذیر شعار می دادند از جمله، این شام شام خونه، حکومت سرنگونه، این شام، شام آخره، این شام شام آخره و... جالبی این حرکت پر شور چنان بود که مهمانان رژیم با مفت خوران همه پنجره های سالن را باز کردند، تعدادی هم روی بالکن بزرگ سالن آمده بودند و شعارها و حرفهای ما را گوش می کردند. بقول یکی از شرکت کنندگان در این مراسم، مدام جرو بحث بوده که پنجره ها را ببندید اما زنان حاضر در مراسم و همچنین جوانان و بچه ها گوش نمی دادند و پنجره ها باز نگه می داشتند.

در این فضای ضد رژیمی و یا با تنفر عمیقی که مردم از این رژیم دارند، هیچکس نمی تواند پیشبینی کند یا حدس بزند که در تظاهراتها چه پیش می آید و چه صحنه هایی روی خواهد داد؟ توجه کنید: در این گیروار یکی از مزدوران رژیم به در ورودی نزدیک شد. فاصله ما با آنان هم فقط یک نرده آهنی بود، او قصد داشت از تظاهر کنندگان فیلم بگیرد، به محض اینکه دوربین را رویه جمعیت گرفت احساس می کردی در میان جمعیت بمبی منفجر شد و در یک ثانیه همه چیز بهم خورد و پلیس و مردم و مزدوران رژیم همه قاطی هم شدند، صداها بالا گرفت، هر چند هر کسی چیزی نثار آنان می کرد اما در این سر و صداها بیشتر این کلمات شنیده می شد که مزدوران این شیها و روزهای آخرت است. قاتل این روزهای آخرت است. تحریک غیر قابل وصفی بود که فقط من می توانم در وصف این حرکت زیبا و این درگیری برای خوانندگان عزیز بنویسم که مزدوران رژیم مورد حمله تظاهرات کنندگان خشمگین قرار گرفتند و پلیس هم نتوانست جلو خشم و تعرض تظاهر کنندگان را بگیرد و مردم با مزدوران در گیر شدند. جای همه شماها خالی بود.

قطره قطره جمع شود وانگهی دریا گردد. ساعت شش بعد از ظهر تازه از سر کار بر می گشتم یکی از دوستان زنگ زد و گفت که رژیم اسلامی در سالن باغ وحش فرانکفورت جشن نوروزی را گرفته و مزدوران دارند به این جشن می آیند. او مشغول زنگ زدن به دیگران بود.

نزدیکی های ساعت هفت من به آنجا رسیدم. روی یکی از صندلیهای پارک دقیقاً روبروی در ورودی نشستیم و می دیدیم که مومنان خدا که برای صرف شام و شربینی و لفت و لیس دعوت شده بودند چگونگی با شال و پیراهن سفید یکی دو قدم جلوی همسران و فرزندان شان گردن بالا گرفته و مغرورانه راه می روند و دیدیم که چگونه مورد استقبال دربانان سالن قرار می گرفتند. ساعت هفت و نیم چند نفر دیگر از رفقا آمدند. تصمیم گرفتیم قدری که تعدادمان بیشتر شد و جلوی در ورودی شروع به شعار دادن بکنیم. مزدوران رژیم که فهمیده بودند جلوی در ورودی اوضاع عادی نیست به بهانه هایی رفت و آمد آنان بیشتر شد. تا اینکه سر باند مزدوران اسلامی در کنسولگری فرانکفورت فردی به اسم تهرانی که ایشان نه با ماشین خودش بلکه راننده ماشین حمل غذا بود به در ورودی رسید و همان جا چاشنی تظاهرات را روشن کرد. با شعار دادن علیه او بلندگو روشن شد و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مزدور برو گم شو، تروریست برو گم شو، تظاهرات نه تنها فضای سالن محل مهمانان را بهم ریخت. بلکه فضای آن منطقه از شهر را هم بهم ریخت و مردم در رستورانها را باز می کردند از ماشینها سر بیرون می آوردند، پنجره خانه ها باز می شد تا ببینند در جایی که تاکنون تظاهراتی نشده امروز چه خبر است. شعارها با زبان آلمانی و فارسی داده می شد. شهنواز مرتب پشت بلند گو به زبانهای آلمانی و فارسی اعلام کرد که ما چرا اینجا جمع شده ایم. او میگفت زمین را زیر پای مزدوران حکومت در همه جای خارج از کشور داغ میکنیم. ما نمیگذاریم اینها رُست حکومت عادی را گرفته و در ایران وحشیانه خون بریزند. شهنواز توضیح میداد که این نوع مراسمهای فرمایشی رژیم در

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود